

غروب سعید



سعید میرهادی

1326 - 1400 - 1947 - 2021

بامداد روز شنبه بیست و پنجم اردیبهشت ۱۴۰۰ (۲۰۲۱/۰۵/۱۵) یار مهربانمان سعید میرهادی چشم از جهان فرو بست. بسیاری از رفقا سعید را با سرشت و شخصیت ویژه‌ای می‌شناختند. انسانی بود بسیار حساس و از غم و تراژدی دیگران آزرده می‌گشت و هنگامی که ماجرای دردناکی می‌شنید و یا آن که راوی آن بود، اشک در چشمانش می‌درخشید و بغض گلایش را می‌گرفت.

سعید خرداد ۱۳۲۶ در تهران زاده شد و هفده ساله برای ادامه تحصیل به آلمان رفت. او در آلمان با کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) آشنا شد و به یکی از اعضای بسیار فعال این سازمان بدل گشت و در فعالیتهای کنفدراسیون که ضد استبداد رژیم پهلوی، فعالانه شرکت داشت. او در کنگره چهاردهم کنفدراسیون جهانی

محصلین و دانشجویان ایرانی (۱۴ تا ۲۱ دی‌ماه ۱۳۵۱) به سمت دبیری کنفدراسیون برگزیده شد و در رهبری مبارزات آزادی‌خواهانه و دموکراتیک دانشجویان ایرانی در خارج از کشور نقشی برجسته و بسزایی داشت.

سقوط سلطنت خودکامه و ضد آزادی پهلوی سبب پیدایش «بهار آزادی» در ایران گشت. در آن دوران اکثریت مردم ایران و به‌ویژه روشنفکران ترقی‌خواه یا شوق و شور و خروش در جهت تحقق ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کردند. تبعیدشدگان به ایران بازگشتند تا در بازسازی دموکراتیک ایران نقش‌آفرین شوند. سعید هم یکی از آنان بود که به ایران بازگشت تا با دیگر نیروهای آزادی‌خواه آینده ایرانی مدرن و دموکراتیک را بازسازی کند.

اما رژیم پوسیده اسلامی آن افق درخشان را به ظلمت بی‌پایان مبدل ساخت. زیبایی را برافکند و زشتی را برافراشت و عرصه را بر دگران‌دیشان چنان تنگ کرد که دیگر راه پس و پیش باقی نماند. نظام جنایت‌کار و مرتجع اسلامی از همان آغاز دستیابی به قدرت سیاسی ایران را به گورستان فکر و آزاداندیشی تبدیل کرد. میهن گورستان آزادی‌خواهان شد.

برای سعید نیز راه دیگری نبود جز ترک میهن و از سر گرفتن فعالیت‌های گذشته و این بار علیه نظام اسلامی در همه جلوه‌های فریبکارانه آن. در کنار آن سعید به فعالیت در عرصه ادبی پرداخت. او تسلط ویژه‌ای به زبان و ادبیات آلمان داشت. اشعار فراوانی به این زبان سرود و چندین کتاب شعر انتشار داد. او در محافل ادبی آلمان نامی شناخته شده بود و چندین جایزه ادبی دریافت کرد، از جمله جایزه رادیویی سیویس (Civis) در سال ۱۹۹۲، جایزه ادبی «ادبیات در تبعید» از شهر هایدلبرگ در سال ۱۹۹۶، مدال هرمان کیستن (Hermann Kesten) در سال ۱۹۹۷، در سال ۲۰۰۲ جایزه آدالبرت فون کامیسه (Adalbert-von-Kamisse) را دریافت کرد، مدال گوته در سال ۲۰۰۶، جایزه ادبی اتحادیه

مؤلفین آزاد آلمان در سال ۲۰۱۰، نشان شایستگی جمهوری فدرال آلمان در سال ۲۰۱۴، جایزه فریدریش روکرت (Friedrich Rukert) در سال ۲۰۱۶ و برخی نشان‌های ادبی دیگر. سعید از سال ۱۹۹۵-۱۹۹۶ معاون مرکز ادبی پن (PEN Zentrum) در آلمان گشت و در سال ۲۰۰۰ به ریاست انجمن قلم پن (PEN Club) برگزیده شد و در پیشبرد برنامه‌های این مرکز و به کارگرفتن امکانات انجمن و شخصیت‌ها و هنرمندان خارجی برای پشتیبانی از مبارزات مردم ایران علیه رژیم ضد بشری ملایان، افشای جنایات آن و یاری رسانی به مبارزین درون کشور نقش درخشانی داشت

اشعار سعید که به زبان آلمانی سروده شدند شاید برای ایرانیان ناآشنا بود، اما در محافل ادبی آلمان بازتاب فراوانی داشت. اشعاری معمولی و روزانه نبود که برای همگان آشنا و خواندنش تنها برای تمدد اعصاب و گذران وقت باشد. هیجان ویژه‌ای می‌آورد. نمودارنستی کجایش رؤیا است و کجایش بیداری، کجایش خاطره لخت و عریان واقعی و کجایش تنها انعکاس فکری اوست. در آن هم از مرتبه والای انسانی گفتگو بود، هم از ورشکستگی معنوی همین انسان‌ها. او همچنین کوشش داشت که دچار خود گم‌گشتگی نگردد. سعید در آثارش آن‌جا که غریب بود، نمی‌گذاشت او را به غریبی محکوم کنند. عشق در اندیشه‌اش و آثارش مقام ویژه‌ای داشت، اما از جدایی، از پی‌گرد، جنایت و فرار از نظام ریشویان قرون وسطائی و عقبمانده نیز سخن می‌گفت.

سعید در آثارش مسائلی را به پیش می‌کشید که اجزای واقعی و مهم از زندگی‌اند باقی و می‌خواهند باقی بمانند، پیوسته آن‌ها را به یاد می‌آورند و از آن غافلت نمی‌گذارند، اما تو باید از زیرش شانه خالی کنی، در عین این که راهی برای فرار از این مسائل نداری.

غم و شادی در وجود سعید چنان در جدال بودند که نمودارنستی کدامش پیروزی می‌یابد و کدامش به زیر می‌افتد. خلق و احساسش با یک چشم به هم زدن

دگرگونی می‌یافت. اشعارش برای خواننده هنر دوست بسیار هیجان‌انگیز بود. نمی‌توانستی اشعارش را برای رفع خستگی و آرامش اعصاب بخوانی، بایستی وقت ویژه‌ای می‌گذاشتی که در دنیای تخیلات غوطه‌ور بمانی. سعید خودش به مناسبت دریافت یک جایزه ادبی می‌گوید: «هیچ ارزشی نیست، هیچ سنجشی نیست، فقط باید دریافت، دریافت که چگونه باید زیبایی را شناخت. باید دریافت که چگونه می‌توان انسان‌ها را به هم نزدیک کرد. و چیست که انسان را به انسانیت نزدیک می‌کند.»

«در مصاحبه با مجله وزین آلمانی دی سایت (Zeit) مصاحبه کننده به یاد آورد که «اشعار سعید نوعی زیارت میهن است، تضاد با آن‌هایی است که می‌خواهند افسار اندیشه‌ات را در دست نگاه دارند. سعید کوشید کلام را از اسارت آزاد کند و به آزادی شادمندش سازد.»

میهن دوم سعید زبان و ادبیات آلمان شده بود، اما قلبش برای زادگاهش ایران می‌تپید. و اگر هم میهن جان داشت، شیفته سعید می‌بود و دوستش می‌داشت. جنبش دموکراتیک و مترقی ایران یکی از فرزندان درخشان خود را از دست داد. فقدان و خاطره این انسان دوست داشتنی برای دوستان و رفقایش - اما - به این آسانی گذرا نیست. آنان باید بسی در جای خالی به دنبال او گردند و او را نیابند. جای خالی او پُر شدنی نیست. اینان تا هستند، یادش را گرامی خواهند داشت، او را دوست داشتند و پس از بیست و پنجم اردیبهشت ۱۴۰۰ نیز دوستش خواهند داشت.

بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ (۲۰۲۱/۰۵/۱۸)

مهرداد آدرم- شهریار آزادگان- محمد آزادگر- حمید آزادی- عباس آقایی- بهروز اسدی- حسین اسدی- سیمین اصفهانی- مهدی اصلانی- رضا اغنمی- مریم افشاری- اصغر ایزدی- سیف بسطامی- منیره برادران-

فریده برازند- پری برگر- ارژنگ برهان آزاد- رویا بخشی- شریفه
بنی‌هاشمی- میترا بهراد- محمود بیگی- کامران پارسائی- ناصر
پاکدامن- فرامرز پاکزاد- تقی پورعجم- لیدا پورحیدری صارمی-
نصرت تیمورزاده- انگلیکا ثریا- کیومرث ثریا- احمد ثوابی- نصرت
جانی‌پور- اکرم جوادی- رضا جوادی- بهروز حجازی- علی حجت- رحمان
خادمی- ضیاء خسروشاهی- حسین خرمی- حسین دارده- آرتا داوری-
پرویز رستم- علی رسولی- جواد رضوی- فریدا رضوی- مجید زربخش-
جلال سبزوازی- سعید سررشته‌داری- روح‌انگیز سلحشور- سهیلا ستاری-رز
ستاری- علی ستاری- محمدجمال سماواتی- آزیتا سیدی- اسد سیف- آرش
شاه تیموری- منصوره شجاعی- ابوالقاسم شمس- پرویز شوکت- دکتر
مریم صارمی- منوچهر صالحی- هرمز صمیمی- جواد طالعی- اِوَلین
طاهری- مصطفی طاهری- محمدصادق علی‌اصغری- فرزانه عظیمی- پروفیسور
داود غلام‌آزاد- آدر فارسی- محمد فارسی- علی فروزنده- مسعود
فتحی- حسن قاضی- شهرام قنبری- عباس قیایی- کاظم کردوانی- خسرو
کریمیان‌پور- جابر کلیبی- همایون ماکوئی- ابراهیم محجوبی- باقر
مرتضوی- زمان مسعودی- محمود معتمدی- امیر معیری- کریم منیری-
محسن موسوی عزیری- مسعود مولازاده- سیامک مؤیدزاده- رضا مهاجر-
پرویز مهران‌افشان- دکتر همایون مهمنش- فریده مهمنش‌عربزاده- شیوا
میرزائی- مهوش نجفی- رسول نظری- دکتر بهمن نیرومند- تقی هاشمی-
فرخنده هاشمی- فرشید یاسائی- فرهاد یاسائی- محسن یلفانی.